

## انقلاب اسلامی ایران از منظر استاد شهید مرتضی مطهری

منوچهر محمدی\*

محمد قربانی گلشن‌آباد\*\*

### چکیده

این مقاله در ابتدا به مباحث «انقلاب»، «اقسام انقلاب»، «انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی؟» به طور اختصار از منظر شهید مطهری و با عنایت به کتاب *پیرامون جمهوری اسلامی* ایشان پرداخته و سپس به بحث اصلی یعنی «انقلاب اسلامی ایران» که بخش پایانی کتاب *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر* است، می‌پردازد. استاد مطهری در بحث نهضت اسلامی ایران، چهار موضوع را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که عبارتند از: ماهیت، هدف، رهبری و آفات نهضت. (انقلاب) شهید مطهری از بین فرضیه‌های مختلفی که پیرامون علل و عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی مطرح است، عامل مذهب و اسلام را علت اصلی و مهم پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و اگر مجموع نظریات ایشان را در قالب علل اربعه (فاعلی، غایی، صوری و مادی) بیان کنیم، شهید مطهری همه این علل اربعه را در قالب اسلام و مذهب بیان می‌کنند.

### واژگان کلیدی

انقلاب، انقلاب اسلامی، اسلام انقلابی، نهضت اسلامی ایران.

### مقدمه

مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاً اعلا پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش

prof.mohammadi@yahoo.com

\*. استاد دانشگاه تهران.

ghorbani\_56@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه و دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۴

نمی‌رود. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش است و مواعظ و نصحی او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فره‌زا است ... من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۷ / ۱۷۹ - ۱۷۸)

بی‌تردید تعبیر فوق که از ناحیه حضرت امام خمینی علیه السلام در حق شهید مطهری صادر شده است، نادرترین تعبیر و کلامی است که از سوی معظم‌له درباره یکی از شخصیت‌ها و اصحاب و یارانش بیان شده است. مقام و شأن شهید مطهری در منظر حضرت امام علیه السلام آن‌چنان رفیع است که آثار او را بی‌استثنا آموزنده و روان‌بخش می‌داند که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت گرفته است. به اتفاق همه یاران حضرت امام علیه السلام، شهید مطهری یکی از جدی‌ترین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی است و بی‌گمان اگر بدخواهان وجود مبارک ایشان را به شهادت نمی‌رساندند، نظام جمهوری اسلامی ایران از کمالات علمی، قلم روان و فکر توانایش در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق و مبارزه با کجروی‌ها و انحرافات مستفیض می‌شد.

به نظر می‌رسد پرداختن به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های ذهنی استاد مطهری، یعنی نهضت اسلامی ایران ضروری است. این دغدغه چنان در شهید مطهری جدی است که در طول هشتاد روز حیات مبارک ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸) دو کتاب شریف *پیرامون انقلاب اسلامی* و *پیرامون جمهوری اسلامی* از ناحیه ایشان تدوین یافته است که در واقع، بخشی از فرمایشات ایشان پیاده شده و در قالب کتاب در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. شهید مطهری در بخش ششم کتاب *پیرامون انقلاب اسلامی* به بحث پیرامون اسلام و انقلاب (تعریف انقلاب)، اقسام انقلاب، انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی؟ و ... پرداخته است. ایشان در ادامه در کتاب *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، بخش عظیمی از مباحث کتاب را به «نهضت اسلامی ایران» اختصاص داده است. در مقاله حاضر سعی شده است که دیدگاه استاد مطهری پیرامون «انقلاب، اقسام انقلاب و انقلاب اسلامی یا انقلاب اسلامی؟» به اختصار بیان شده و سپس به مبحث نهضت اسلامی ایران پرداخته شود.

## اسلام و انقلاب

اول باید انقلاب را تعریف کنیم، سپس انواع انقلاب‌ها را توضیح دهیم و آنگاه درباره علل و انگیزه‌ها

و موجبات انقلاب بحث کنیم. انقلاب، برحسب مفهوم لغوی، پشت و رو شدن و یا دگر شدن است. تعبیر «انقلاب علی وجهه»، یعنی پشت و رو شد و برگشت و تغییر جهت داد.

مجموعاً در قرآن کلمه انقلاب به معنای «برگشتن» داخلی یک شیء، یعنی عوض شدن جهت رو و پشت یا زیر و زبر است و با رجوع فرق دارد.<sup>۱</sup> برگشتن سنگ از هوا، رجوع است ولی انقلاب نیست. انقلاب در فقه و فلسفه اصطلاح خاصی غیر از اصطلاح لغت دارد که قرآن هم بر همان اصطلاح لغت جاری است. در باب طهارت فقه، انقلاب و استحاله را از مطهرات می‌شمارند.

فلاسفه - برعکس اصطلاح فقها - تغییر کیفی را استحاله می‌نامند و انقلاب را تغییر ماهوی و بنا بر اصالت ماهیت، انقلاب ذات را محال می‌دانند. بنابراین، طرفداران اصالت ماهیت تغییر ماهوی و کیمیاوی عناصر به یکدیگر را محال می‌دانستند، در حالی که طبق نظر اصالت وجودی‌ها هر حرکت اشتدادی مستلزم انقلاب، اناً فائاً ماهوی است. سید صدرالدین دشتکی نیز معتقد به نوعی انقلاب و تغییر ذاتی و ماهوی در وجود ذهنی است.

ولی انقلاب در عصر ما یک مفهوم اجتماعی پیدا کرده است که با اصطلاحات فلسفی نزدیک است - نه با اصطلاحی لغوی یا فقهی - و آن عبارت است از تغییر بنیادی در جامعه، یعنی دگرگون شدن جامعه از بیخ و بن و اساس. به عبارت دیگر، هرگاه در هم ریختن نظم حاکم با شدت و سرعت و مقرون به نوعی عصیان و تمرد و انکار و نفی و طرد باشد، یعنی گروهی علیه گروهی دیگر که نظم حاکم قائم به آنهاست و آنها آن نظم را حفظ کرده‌اند و آن نظم آنها را و وضع آنها را، [قیام می‌کنند]. قیام انقلابی با زور و عنف آن نظم را برای جایگزین کردن نظم دیگری بر هم می‌زنند.

پس انقلاب نوعی عصیان و طغیان است علیه نظم موجود و وضع حاکم به منظور برقراری نظم و وضعی مطلوب، پس انقلاب مبتنی است بر نارضایی و خشم از وضعی و آرزو و طلب وضعی دیگر. ولی صرف نارضایی از وضعی و آرزوی وضعی دیگر کافی نیست، بلکه انکار و نفی وضع حاضر ضروری است همچنان که طلب و جستجو و تلاش و جهاد برای وضعی دیگر ضرورت دارد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳۹ - ۱)

بنابراین از دیدگاه شهید مطهری، انقلاب در مفهوم اجتماعی‌اش،

اولاً: ارادی است و لهذا دیگر مفهوم فعل لازم را ندارد، بلکه مفهوم فعل متعدی را دارد. بنابراین،

می‌گوییم انقلاب کرد نه اینکه منقلب شد.

۱. «انقلبتم علی أعقابکم»؛ «فانقلبوا بنعمه من الله و فضل»؛ «قالوا إنا إلی ربنا مُتقلِبون»؛ «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»؛ «و قلبوا لک الامور»؛ «فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفِّه»؛ «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا»؛ «و تَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ».

ثانیاً: در جهت تکامل اطلاق می‌شود نه در هر عوض شدنی؛ چراکه دگرگونی در جهت سقوط، انقلاب نامیده نمی‌شود.

ثالثاً: بر نوعی نفی و انکار و عصیان استوار است.

### اقسام انقلاب

شهبید مطهری در مورد اقسام انقلاب معتقد است:

انقلاب یا فردی است یا اجتماعی، یعنی یا فرد انقلاب می‌کند یا جامعه. انقلاب فردی یا حیوانی است یا انسانی ... توبه خود نوعی انقلاب انسانی است. توبه انقلاب وجدان اخلاقی و انسانی انسان است علیه حیوانیت و سبعیت او. از نظر فردی انقلاب‌ها گاهی خشمی است یعنی ناشی از عقده‌هاست، که نوعی انفجار عقده است، و گاهی انقلاب جاه‌طلبی است و گاهی فکری و فرهنگی است که در برخی افراد طالب علم نمونه‌های عجیبی دیده می‌شود که همه چیز را فدای علم می‌کنند و گاه وجدانی و فطری و الهی است مثل توبه. ولی اگر در تعریف انقلاب تکامل را داخل کنیم، انقلاب خشمی و جاهی انقلاب نیست، به علاوه جنبه انتخابی و ارادی ندارد ولی البته عصیان هست، عصیان عقده‌های مکتوم علیه نظم حاکم بر شعور ظاهر وسیله وجدان معقول و تلقین و تقلیدها و عادات اجتماعی. توحید اسلام نفی و اثبات است، کفر به طاغوت و ایمان به الله است. از این جهت است که ایمان اسلامی یک ایمان انقلابی است، طغیان علیه نظم طاغوتی حاکم بر روح و بر جامعه برای برقراری نظم الهی بر روح و یا بر جامعه. صرف نارضایی و خشم برای انقلاب کافی نیست، روحیه تعرض و تهاجم و نفی و انکار لازم است. اینجاست که نقش مکتب ظاهر می‌شود. اسلام مشتمل بر عنصر شورش و تعرض است و آن عبارتست از فرمان جهاد و فرمان امر به معروف و نهی از منکر. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۴۴ - ۱۴۳)

### انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی؟

انقلاب اسلامی، یعنی انقلابی که ماهیت اسلامی و هدف اسلامی دارد و اسلام انقلابی، یعنی اسلامی که ماهیت و راه و هدف انقلابی دارد. به عبارت دیگر، میان آنجا که اسلام هدف و معیار انقلاب است با آنجا که انقلاب، هدف و معیار اسلام است، تفاوت وجود دارد.

برخلاف انقلاب اسلامی که به هویت اسلامی و هویت الهی قائل است، اسلام انقلابی بر وارد کردن خودآگاهی طبقاتی و تضاد طبقاتی در شعور مردم تأکید دارد.

راجع به ریشه مذهب، از دیده اسلام انقلابی، خود اسلام و مذهب راستین تاریخ برخاسته از طبقه محروم است و همیشه جنگ‌ها جنگ مذهب، علیه مذهب بوده است و کفر خود مذهب است نه

بی‌مذهبی و اینکه اسلام همواره دعوت به جنگ با مذهب کفر کرده است نه به جنگ با لامذهبی. مثلاً ماتریالیسم و مارکسیسم که این جنگ‌ها اختراع مذهب شرک است! یکی از تفاوت‌های این دو پیش، قضاوت درباره اخلاق است. از نظر اسلام انقلابی، مبارزه، محور است و آنتی‌تز بودن، محور و اساس است بر خلاف انقلاب اسلامی. تفاوت دیگر در خوش‌بینی و بدبینی نسبت به گذشته و تاریخ است. از نظر اسلام انقلابی، گذشته سراسر ظلم و ظلمت و تاریکی است و جهان تاکنون به ناحق و باطل برپا بوده است؛ بر خلاف انقلاب اسلامی که معتقد است همواره غلبه با حق است. تفاوت دیگر در آینده تاریخ است که هر دو به آینده تاریخ و بشریت خوشبینند، اما اسلام انقلابی آینده و پیروزی را از محرومین می‌داند و انقلاب اسلامی از انسان مؤمن عامل به رشد فکری و اخلاقی و پیوستگی به عقیده و ایمان رسیده. از نظر اسلام انقلابی، همیشه مذهب علیه مذهب می‌جنگیده نه مذهب علیه لامذهبی و اکنون نیز وظیفه مذهب، جنگیدن علیه مذهب است. از نظر اسلام انقلابی، خاستگاه مذهب توحیدی محرومین هستند و خاستگاه مذهب شرک، اغنیا و مترفین، و جنگ مذهب با مذهب همین جنگ دو طبقه است.

### انقلاب اسلامی ایران

کارشناسان اعتراف دارند که مسلمانان پس از یک دوره فروریختگی و از هم پاشیدگی ذهنی، بار دیگر در جستجوی «هویت اسلامی» خود در برابر غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیستی برآمده‌اند. ولی مسلماً در هیچ یک از کشورهای اسلامی، نهضتی به عمق و وسعت نهضت اسلامی ایران که از سال ۴۲ آغاز شده و روزافزون در حال گسترش است، وجود ندارد. لازم است به تحلیل این نهضت با ارزش بپردازیم. به هر حال تحلیل این نهضت چه برای مردم معاصر که خود در آن شرکت دارند و چه برای آیندگان تاریخ که بخواهند درباره آن قضاوت کنند، هم اکنون امری ضروری و حیاتی است. (مطهری، ۱۳۷۹: ۶۴ - ۶۳) به نظر می‌رسد مسائل ذیل باید مورد بررسی قرار گیرند:

۱. ماهیت انقلاب؛
۲. هدف انقلاب؛
۳. رهبری انقلاب؛
۴. آفات انقلاب.

#### ۱. ماهیت انقلاب

در مباحث مربوط به انقلاب اسلامی، قبل از هر چیز باید ماهیت آن را شناخت تا ضمن تمییز از سایر انقلاب‌های جهان، وجه تمایز و تشخیص انقلاب اسلامی شناخته شود. ماهیت انقلاب اسلامی، چیزی است که انقلاب اسلامی به آن شناخته شده و شهرت یافته است و باید این وجه غالب

شناسایی شود. (شفیعی‌فر، ۱۳۷۸: ۴۱) وقتی که با یک واقعیت خارجی روبه‌رو می‌شویم و قصد ادراک و شناخت آن را داریم، به لحاظ فلسفی دو جنبه و حیثیت را در آن تشخیص می‌دهیم که یکی از آنها ماهیت شیء است و دیگری وجود آن. (مطهری، ۱۳۷۴: ۹ / ۴۹)

ماهیت در پاسخ سؤالی است که از «چیستی» یک شیء می‌شود و جوابی که به این چیستی می‌دهیم، ماهیت آن را تشکیل می‌دهد. جواب به چیستی یک شیء با چیستی شیء دیگری متفاوت است و همین موجب تمایز و تفاوت اشیاء در عالم خارج و تقسیم آنها به انواع مختلف می‌شود. در حالی که «هستی» و «وجود» همه اشیاء یکی است. (همان: ۶۴) بر همین اساس، وجه اشتراک همه اشیاء را «وجود» و مابه‌الامتیاز و وجه اختصاص آنها را «ماهیت» نامیده‌اند. (همان: ۴۹)

در منطق و فلسفه برای پیدایش پدیده‌های مادی چهار علت ذکر شده است که شناخت تام و تمام از هر پدیده منوط بر شناخت آنها است و آن چهار علت عبارتند از: ۱. علت فاعلی؛ ۲. علت غائی؛ ۳. علت مادی؛ ۴. علت صوری.

مثلاً هنگامی که میز را در نظر می‌گیریم:

- علت فاعلی آن نجار است؛

- علت غایی میز استفاده از آن برای کارهای مختلف است؛

- علت مادی نشان می‌دهد که میز از ماده‌ای مثل چوب یا فلز، ساخته شده است؛

- علت صوری میز، شکل و صورت ظاهری آن است.

بنابراین، برای شناخت کامل هر پدیده، لازم است به چهار سؤال مربوط به ماده، صورت، فاعل و غایت آن پاسخ‌های عقلی و تجربی و نقلی دقیق و قانع‌کننده‌ای بدهیم. گرچه انقلاب، مفهومی است که از یک سری تفسیرها و تحول‌های اعتقادی، رفتاری، اقتصادی، سیاسی و غیره انتزاع می‌شود و علل اربعه‌ای که فلاسفه نام برده‌اند به توضیح پدیده‌های مادی مربوط می‌گردد، اما با قدری تسامح می‌توان در توضیح انقلاب از آنها کمک گرفت.

در اینجا پدیده مورد بررسی «انقلاب اسلامی» است و سؤالات اساسی و چهارگانه، عبارتند از:

۱. علل و عوامل به وجود آمدن و پیروزی انقلاب کدامند؟

۲. غایت و هدف انقلاب چیست؟

۳. عنصر اساسی و اصلی انقلاب چیست؟

۴. انقلاب به چه صورت واقع شده است؟

لازم است به سؤالات فوق پاسخ‌های مناسب با استفاده از روش‌های تجربی، عقلی و نقلی داده شود و با کمک مجموعه این پاسخ‌هاست که شناخت دقیقی از انقلاب اسلامی پیدا می‌کنیم. اینک

علل فوق را در تعریف انقلاب اسلامی جستجو می‌کنیم:

- افراد و جامعه به ویژه هر چه به سطح رهبری نزدیک‌تر شوند علت فاعلی انقلاب می‌باشند و در تغییر افکار و رفتار تأثیر می‌گذارند.

- غایت و هدف انقلاب نیز رساندن فرد و جامعه به کمال می‌باشد، کمالی که شاخص‌هایش را اسلام ترسیم کرده است.

- ماده انقلاب عبارتست از افکار و عقاید و رفتارهای فرد و جامعه که در کوران انقلاب دگرگون می‌شوند و در قالب‌های رفتاری و سیستم‌های اجتماعی جدیدی که منشأ کمال انسان است قرار می‌گیرند و همین قالب‌ها و سیستم‌های جدید را می‌توان صورت انقلاب نامید.

شناخت ماهیت انقلاب اسلامی به سه منظور مختلف انجام می‌شود:

۱. برای تمییز انقلاب اسلامی از سایر مبارزات ملت ایران و نیز انقلاب‌های جهان، باید وجه مشخصه اصلی آن را شناخت؛ چون ماهیت انقلاب‌هاست که مایه تمییز آنها از همدیگر می‌شود و گرنه اصل انقلاب‌ها یکی است و تمایز و تشخیص آنها به ماهیت‌های متفاوت و سیمای ظاهری مختلف آنها برمی‌گردد.

۲. برای مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر نیز باید ماهیت آن را شناخت تا با آگاهی از ماهیت‌های متفاوت پدیده‌های مورد مقایسه، شرایط مناسب مقایسه فراهم شود و ناآگاهانه، دو پدیده ناهمگون و یا موارد غیر قابل مقایسه، با هم مقایسه نشوند.

۳. برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی هم باید ماهیت آن را شناخت تا پس از گذشت چند نسل، بر اثر تفسیرها و تأویل‌های نادرست و مغرضانه، انقلاب اسلامی قلب ماهیت نشود و از مسیر اصلی خود منحرف نگردد؛ همانگونه که انقلاب اسلامی پیامبر ﷺ به نهضتی «قومی» و «عربی» تعبیر شد. (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۱) و هنوز هم برخی اعراب مسلمان، دین اسلام را «عربی» و خود و امت اسلام را «امت عرب» می‌خوانند.

شهید مطهری ذیل بحث ماهیت نهضت، تشخیص ماهیت انقلاب اسلامی را از چند راه زیر ممکن می‌داند:

یک. افراد و گروه‌هایی که بار نهضت را به دوش می‌کشند.

دو. علل و ریشه‌هایی که زمینه نهضت را فراهم کرده است.

سه. هدف‌هایی که آن نهضت تعقیب می‌کند.

چهار. شعارهایی که به آن نهضت قدرت و حیات و حرکت می‌بخشد.

استاد مطهری بعد از اعلام راه‌های تشخیص ماهیت انقلاب اسلامی به بررسی هر کدام از

آنها می‌پردازد. ایشان معتقد است که این نهضت یکی از صدها واقعیت‌های عینی تاریخی است که بی‌پایگی نظریه مفسران مادی تاریخ و طرفداران ماتریالیسم تاریخی را که اقتصاد را زیربنای جامعه معرفی می‌کنند و هر جنبش اجتماعی را انعکاسی از تضادهای طبقاتی می‌دانند، مشخص می‌کند. ... این نهضت، نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی برخاسته از خودآگاهی الهی یا خداآگاهی. این خودآگاهی ریشه‌اش در اعماق فطرت بشر است؛ از ضمیر باطن سرچشمه می‌گیرد ... دلبستگی به خدا که سرسلسله ارزش‌ها است بدنبال خود دلبستگی به کمال و زیبایی و عدل و برابری و گذشت و فداکاری و افاضه و خیررسانی در او به وجود می‌آورد.

شهید مطهری معتقد است، شعارهای اسلامی نهضت، سراسر کشور را، از مرکز تا دورترین دهات مرزی گرفته است. کسی به این مردم دیکته نکرده و برایشان شعار انتخاب نکرده است. این شعارها را مردم از اعماق ضمیر اسلامی خود الهام می‌گیرند. آیا در همه شعارهایی که این مردم از پیش خود ابتکار می‌کنند، شعاری غیر اسلامی دیده می‌شود؟ (همان: ۶۸ - ۶۳)

## ۲. هدف انقلاب

این انقلاب چه هدفی را تعقیب می‌کند و چه می‌خواهد؟ آیا دموکراسی می‌خواهد؟ آیا می‌خواهد دست استعمار را از این کشور کوتاه کند؟ آیا برای دفاع از آنچه امروز حقوق بشر نامیده می‌شود بپاخاسته است؟ تبعیض‌ها، نابرابری‌ها را می‌خواهد معدوم کند؟ ریشه ظلم را می‌خواهد بکند؟ ماتریالیسم را می‌خواهد نابود سازد؟ آیا ... .

آنچه به اجمال در پاسخ این پرسش‌ها می‌توان گفت اینست که: آری و نه. آری، یعنی همه آن هدف‌ها جزء اهداف نهضت است و نه؛ یعنی محدود به هیچ یک از آنها نیست. یک نهضت اسلامی نمی‌تواند از نظر هدف محدود باشد؛ زیرا اسلام در ذات خود یک کل تجزیه ناپذیر است و با به دست آوردن هیچ یک از آن هدف‌ها پایان نمی‌پذیرد.

شهید مطهری در ادامه بحث با ذکر فرمایشی از حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) که در زمان حکومت معاویه و در جمع کبار صحابه و شخصیت‌های برجسته اسلامی در موسم حج فرموده بودند، اهداف کلی نهضت را در چهار جمله بیان می‌فرماید:

- «تَرَدُّ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ»: نشانه‌های محو شده راه خدا را - که جز همان اصول واقعی اسلام نیست - بازگردانیم. یعنی بازگشت به اسلام نخستین و اسلام راستین، بدعت‌ها را از میان بردن و سنت‌های اصیل را جایگزین کردن؛ یعنی اصلاحی در فکرها و اندیشه‌ها و تحولی در روح‌ها و ضمیرها و قضاوت‌ها در زمینه خود اسلام.



- «تُظْهِرُ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكُ»: اصلاح اساسی و آشکار و چشمگیر که نظر هر بیننده را جلب نماید و علائم بهبودی وضع زندگی مردم کاملاً هویدا باشد، در شهرها و مجامع به عمل آوریم؛ یعنی تحولی بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا.

- «يَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكُ»: بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان امان یابند و دست تطاول ستمکاران از سر ستمدیدگان کوتاه شود؛ یعنی اصلاحی در روابط اجتماعی انسان‌ها.

- «تَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكُ»: مقررات تعطیل شده خدا و قانون‌های نقض شده اسلام بار دیگر به پا داشته شود و بر زندگی اجتماعی مردم حاکم گردد؛ یعنی تحولی ثمربخش و اسلامی در نظامات مدنی و اجتماعی جامعه.

هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عملی سازد، یعنی افکار و اندیشه‌ها را متوجه اسلام راستین سازد و بدعت‌ها و خرافه‌ها را از مغزها بیرون براند، به زندگی عمومی از نظر تغذیه و مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش سامان بخشد، روابط انسانی انسان‌ها را بر اساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد و ساخت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلامی قرار دهد، به حداکثر موفقیت نائل آمده است.

### ۳. رهبری انقلاب

هیچ انقلابی بدون یک رهبر انقلابی ممکن نیست. در هر وضعیت انقلابی، رهبران نقشی حساس و حیاتی در الهام‌بخشی و رهبری مبارزه به سوی تحقق و تثبیت تغییر انقلابی بازی می‌کنند؛ حضور یک رهبر محبوب به عنوان طلایه‌دار یک مبارزه انقلابی که آرزوها و آمال توده‌های ناراضی را بسیج نموده، برای ایجاد اشتیاق و حمایت وفادارانه برای جنبش انقلابی نقش محوری دارد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۸۴ - ۷۰)

شهید مطهری بعد از پرداختن به ماهیت و اهداف نهضت مردم مسلمان ایران، در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال مهم و اساسی است که یک نهضت که ماهیت اسلامی دارد و اهدافش همه اسلامی است، به وسیله چه کسانی و چه گروهی می‌تواند رهبری شود و باید رهبری شود؟

در واقع، این سؤال شهید مطهری یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌ها در حوزه مشروعیت حکومت و رژیم سیاسی است. شهید مطهری می‌فرماید:

یک نهضت که ماهیت اسلامی دارد و اهدافش همه اسلامی است بوسیله کسانی و گروهی می‌تواند رهبری شود و باید رهبری شود که علاوه بر شرایط عمومی رهبری، واقعاً اسلام‌شناس باشند و با اهداف و فلسفه اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و معنوی اسلام کاملاً آشنا باشند؛ به جهان‌بینی اسلام، یعنی بینش و نوع دید اسلام درباره

هستی و خلقت و مبدأ خالق هستی و جهت ضرورت هستی و دید و بینش اسلام درباره انسان و جامعه انسانی کاملاً آگاه باشند؛ ایدئولوژی اسلام را یعنی طرح اسلام را درباره اینکه چگونه باید باشد و چگونه باید زیست نماید و چگونه باید خود را و جامعه خود را بسازد و چگونه به حرکت خود ادامه دهد و با چه چیزها باید نبرد کند و بستیزد و خلاصه چه راهی را انتخاب کند و چگونه برود و چگونه بسازد و چگونه زیست نماید و ... درک نماید.

بدیهی است، افرادی می‌توانند عهده‌دار چنین رهبری بشوند که در متن فرهنگ اسلامی پرورش یافته باشند و با قرآن و فقه و معارف اسلامی آشنایی کامل داشته باشند و از این رو تنها روحانیت است که می‌تواند نهضت اسلامی را رهبری نماید ... نهضت اسلامی ایران مفتخر است که در حال حاضر رهبری آن را مراجعی آگاه و شجاع و مبارز بر عهده گرفته‌اند که نیازهای زمان را تشخیص می‌دهند، با مردم همدردند، سودای اعتلای اسلام دارند، یأس و نومیدی و ترس را که جنود ابلیس است به خود راه نمی‌دهند، ... ما رهبری این رهبران عظیم الشان را ارج می‌نهیم و تقدیر می‌کنیم و ذکر خیرشان را به تاریخ می‌سپاریم و از خداوند متعال عزم راسخ‌تر و سخت‌کوشی افزون‌تر و بینش تیزتر و موفقیت بیشتر برای آنها مسألت می‌نماییم. (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۷۳)

در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند (إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادُ الصَّالِحِينَ) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین، نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است؛ چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

#### ۴. آفات انقلاب

بی‌شک هر نظم اجتماعی و هر سامان سیاسی نیازمند نوعی مراقبت و کنترل است که تا از گزند حوادث و آفات و از رهگذر موانع و مشکلات مصون بماند و چون موجود زنده و ارگانیسم پویایی به مسیر خود ادامه دهد. انقلاب هم همچون سایر نظام‌های سیاسی، ممکن است پس از پیروزی با انواع آفات، موانع و آسیب‌ها روبه‌رو شود و روند آن را با مشکلات متعددی مواجه سازد. آسیب‌شناسی انقلاب به ما کمک می‌کند تا انحرافات احتمالی و تدریجی پدیده انقلاب را بشناسیم و با پیشگیری از

وقوع آنها، انقلاب را در جهت رسیدن به آرمان‌هایش یاری کنیم.

تحقق آرمان‌های انقلاب، حفظ دست آوردهای آن، تنظیم سیاست‌های کلی نظام و حفظ مشروعیت حکومت، مشروط به شناخت دقیق آفات، موانع و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است. معمولاً به مشکلات درونی، آفات و به مشکلات بیرونی، مانع گفته می‌شود. بنابراین، آفات پدیده‌های درونی و موانع، پدیده‌های بیرونی‌اند که رویاروی انقلاب قرار می‌گیرند. علاوه بر این، حوزه‌های سیاست و اقتصاد و اجتماع بر هم تأثیرگذار هستند و اگر به طور مثال استقلال اقتصادی یا فرهنگی زیر سؤال برود، در دراز مدت ممکن است استقلال سیاسی نیز خدشه دار شود. (فرمایشات مقام معظم رهبری، کیهان، ۱۷ دی ماه ۱۳۷۳)

استاد شهید مطهری، تئورسین بزرگ انقلاب اسلامی در کتاب *پیرامون انقلاب اسلامی* می‌فرماید:

امروز نیز ما درست در وضعی قرار داریم نظیر اوضاع ایام آخر عمر پیامبر ﷺ. اکنون باید از خود ترس داشته باشید. از منحرف شدن نهضت و انقلاب، باید ترس داشته باشید. اگر ما واقع‌بینی و دقت کامل با مسایل فعلی انقلاب مواجه نشویم و در آن تعصبات و خودخواهی‌ها را دخالت دهیم، شکست انقلابمان بر اساس قاعده واخشون و بر اساس قاعده ان الله لا یغیر حتمی الوقوع خواهد بود، درست به همان گونه که نهضت صدر اسلام نیز بر همین اساس با شکست روبه‌رو شد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۸۷)

مقام معظم رهبری در ضرورت آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

میکروب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گرد است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی، مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است و جاه‌طلبی، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۳/۱۰/۱۷)

در انقلاب اسلامی ایران شاید اولین کسی که به طور جد به بحث آسیب‌ها و آفات انقلاب اسلامی پرداخت، علامه شهید استاد مرتضی مطهری است. شهید مطهری در بخش پایانی کتاب *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر* و در ذیل بند آفات انقلاب می‌فرماید:

نهضت‌ها، همانند همه پدیده‌های دیگر ممکن است دچار آفت‌زدگی شوند. وظیفه

رهبری است که پیشگیری کند و اگر احیاناً آفت نفوذ کرد، با وسائلی که در اختیار دارد و یا باید در اختیار بگیرد، آفت‌زدایی نماید. اگر رهبری یک نهضت، به آفت‌ها توجه نداشته باشد یا در آفت‌زدایی سهل‌انگاری نماید، قطعاً آن نهضت، عقیم، یا تبدیل به ضد خود خواهد شد و اثر معکوس خواهد بخشید. ما از نظر انواع آفت‌ها آنچه به نظرمان رسیده است یادآوری می‌کنیم، بدون آنکه مدعی باشیم همه آنها را استقصا کرده‌ایم:

۱. نفوذ اندیشه‌های بیگانه؛ ۲. تجددگرایی افراطی؛ ۳. ناتمام گذاشتن؛ ۴. رخنه فرصت‌طلبان؛ ۵. ابهام طرح‌های آینده؛ ۶. آفت از نوع معنی. (همان: ۹۰)

باید دقت کرد که آسیب‌های ذکر شده فقط بخشی از آسیب‌هایی است که یک نظام، انقلاب و سیستم حکومتی را تهدید می‌کند و نه همه آنها. بی‌شک بررسی تمام و کمال آفات و آسیب‌های انقلاب اسلامی، مجال بیشتری می‌طلبد که فعلاً مقدور نیست. امید است که خدای قادر متعال این فرصت را برای نسل جدید انقلاب مهیا فرماید که با شناخت انقلاب اسلامی بتوانند مدافعان خوبی برای آن باشند.

#### یک. نفوذ اندیشه‌های خارجی

اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کند:

۱. از طریق دشمنان؛ هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکاتب دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب بیگانه و مغایر است، وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند.

۲. از طریق دوستان و پیروان؛ گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند.

من (شهید مطهری) بعنوان یک فرد مسئول به مسئولیت الهی به رهبران عظیم‌الشان نهضت اسلامی که برای همه‌شان احترام فراوان قائلم، هشدار می‌دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می‌کنم که نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آنکه از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد، خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۹: ۹۲ - ۹۰)

#### دو. تجددگرایی افراطی

بدیهی است که مشکلات جامعه بشری نو می‌شود و مشکلات نو راه حل نو می‌خواهد. الحوادث الواقعة چیزی جز پدیده‌های نوظهور نیست که حل آنها بر عهده حاملان معارف اسلامی است. سرّ ضرورت وجود مجتهد در هر دوره و ضرورت تقلید و رجوع به مجتهد زنده همین است و گرنه در یک

سلسله مسائل استاندارد شده، میان تقلید از مرده و زنده فرقی نیست. اگر مجتهدی به مسائل و مشکلات روز توجه نکند او را باید در صف مردگان به شمار آورد. افراط و تفریط در همین جا پیدا می‌شود. شهید مطهری در آخر این بحث می‌افزاید:

به هر حال تجددگرایی افراطی - که هم در شیعه وجود داشته و دارد و هم در سنی - و در حقیقت عبارت است از آراستن اسلام به آنچه در اسلام نیست، و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست، به منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن، آفت بزرگی برای نهضت است و وظیفه رهبری نهضت است که جلو آن را بگیرد. (یثربی، ۱۳۷۹: ۲۱۰ - ۱۷۵)

متأسفانه تجددگرایی افراطی پیوند محکمی با ماجرای غم‌انگیز روشنفکری در ایران دارد. اکثر قریب به اتفاق روشنفکران در ایران مترجمان ناشی‌ای بودند که عمدتاً سودای تقلید از غرب را در مخیله خویش می‌پروراندند. سخن معروف مبنی بر اینکه از نوک پای تا فرق سر باید غربی شد، ناظر بر همین موضوع است. متأسفانه تجددگرایی افراطی ضمن «حمله به دین و روحانیت، دعوت به اصلاح دین، دین‌سازی و مذهب‌تراشی، تکیه بر ملیت و نظریه‌پردازی‌های جنجالی» هم باعث فرسایش سرمایه‌های اجتماعی فرهنگی کشور و هم استعدادهای درخشان نخبگان ایرانی شده‌اند. ادامه چنین روندی یقیناً موجبات هدر رفتن انبوه عظیمی از توان فکری فرزندان علمی کشور خواهد شد و آن را به ورطه سقوط خواهد کشاند.

#### سه. ناتمام گذاشتن

متأسفانه تاریخ نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر، یک نقیصه را در رهبری روحانیت نشان می‌دهد و آن اینکه نهضت‌هایی را که روحانیت رهبری کرده تا مرحله پیروزی بر خصم ادامه داده و از آن پس ادامه نداده و پی کار خود رفته و نتیجه زحمات او را دیگران و احیاناً دشمنان برده‌اند. مانند اینکه کسی زمین غصب شده‌اش را با قدرت و شدت مطالبه کند و با صرف نیرو و بذل مال و جان آن را از دست دشمن بگیرد، اما همین که گرفت برود به خانه خود بنشیند و یک دانه بذر هم در آن نپاشد؛ دیگران بروند از آن به سود خود استفاده کنند. انقلاب عراق با پایمردی روحانیت شیعه به ثمر رسید، اما ... مشروطیت ایران را روحانیت به ثمر رسانید، اما آن را ادامه نداد و بهره برداری نکرد و ...

نهضت اسلامی ایران در حال حاضر در مرحله نفی و انکار است. مردم ایران یک دست علیه استبداد و استعمار قیام کرده‌اند. مرحله نفی و انکار، بدنبال خود مرحله سازندگی و اثبات دارد. به دنبال لا اله الا الله بیاید. در هر نهضت مرحله سازندگی و اثبات از مرحله نفی و انکار دشوارتر است. (مطهری، ۱۳۷۹: ۹۳ - ۹۲)

حضور در عرصه‌های مختلف انقلاب برای نیل به اهداف و آرمان‌های والای انقلاب یک ضرورت غیر قابل انکار است. امام خمینی به عناوین مختلف، مردم را به دخالت در سرنوشت کشور تشویق می‌کرد و از انزوا و جامعه‌گریزی بر حذر می‌داشت:

وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات‌ها، چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند ... و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۱ / ۴۲۱)

#### چهار. رخنه فرصت‌طلبان

هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند سنگینی‌اش بر دوش افراد مؤمن مخلص فداکار است، اما همین که به بار نشست و یا لاقط نشانه‌های بار دادن آشکار گشت و شکوفه‌های درخت هویدا شد، سروکله افراد فرصت‌طلب پیدا می‌شود. روز به روز که از دشواری‌ها کاسته می‌شود و موعد چیدن ثمر نزدیک می‌گردد فرصت‌طلبان محکم‌تر و پرشورتر پای علم نهضت سینه می‌زنند. تا آنجا که تدریجاً انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان بدر می‌کنند. این جریان تا آنجا کلیت پیدا کرده که می‌گویند: انقلاب فرزند خور است. گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید فرزندان خود را یک یک نابود سازد. ولی انقلاب فرزند خور نیست، غفلت از نفوذ و رخنه فرصت‌طلبان است که فاجعه به بار می‌آورد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۹۴ - ۹۳)

مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد، فرصت‌طلبان چگونه توانستند مسیر اسلام را منحرف کنند تا جایی که کعب الاحبار یهودی، مفتی مسلمین شد ولی یار صدیق حضرت رسول ﷺ، ابوذر غفاری به ریزه تبعید و در نهایت مظلومیت رحلت کرد. ظهور پدیده‌هایی چون ابوهیره و جعل فراوان حدیث و انتساب آن به نبی مکرم اسلام ﷺ و حمایت دستگاه حکومتی از عناصری این‌چنینی باعث شد که فرصت‌طلبان، افاق فرمان سفینه انقلاب اسلامی پیامبر را در اختیار گیرند و جامعه مسلمین را به بیراهه و انحراف هدایت کنند. نباید با غفلت از رویداد رخنه فرصت‌طلبان در انقلاب پیامبر گذشت و متوجه بود که نفوذ عناصر بیگانه در بین نیروهای انقلابی، هر انقلاب و نظام سیاسی - اجتماعی را تهدید می‌کند. غفلت از این آسیب اساسی، فروپاشی انقلاب را به ارمغان خواهد آورد و روزی می‌رسد که به اصطلاح خلیفه مسلمین (معاویه)، روز چهارشنبه، صلاه جمعه می‌خواند و صدای مخالفی بر نمی‌خیزد و دستگاه تبلیغاتی رژیم منحط چنان انقلابیون اصیل را ترور شخصیت می‌کند که لعن بر اول انقلابی عالم اسلام جزو مستحبات نیروها و سمپات‌های دستگاه حکومتی می‌شود. مظلومیت علی ﷺ و یاران با وفایش در چنین مواقعی بیشتر نمایان می‌شود.

### پنج. ابهام طرح‌های آینده

... قطعاً نهضت باید طرح‌های روشن و خالی از ابهام و مورد قبول و تأیید رهبران ارائه دهد تا جلو ضایعات گرفته شود.

ما خوشوقتیم و خدا را سپاس گذار که از نظر مواد خام فرهنگی فوق‌العاده غنی هستیم، نیازی از این نظر به هیچ منبع دیگر نداریم. تنها کاری که باید بکنیم استخراج و تصفیه و تبدیل این مواد خام به مواد قابل استفاده است و مستلزم بیدار دلی و کار و صرف وقت است. (همان: ۹۷)

در انقلاب اسلامی خوشوقتانه در اوائل کار این تقیصه تا حدود بسیار زیادی رفع شد. امام خمینی ره و سایر مبارزان با بهره‌گیری از منابع عظیم و حیاتی و احادیث شریف و سیره و سنن نبی مکرم اسلام و ائمه هدی علیهم‌السلام، توانستند طرح روشن و شفاف حکومت اسلامی را ارائه دهند و با تصویب قانون اساسی آن را کاربردی کنند.

#### شش. انحراف در اندیشه و نیت

ششمین آفتی که یک نهضت خدایی را تهدید می‌کند، از نوع معنا و تغییر جهت دادن اندیشه‌ها است، از نوع انحراف یافتن مسیر نیت‌ها است. نهضت خدایی باید برای خدا آغاز یابد و برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه غیر خدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شاملش گردد. آنکه نهضت خدایی آغاز می‌کند باید جز به خدا نیندیشد؛ توکلش بر ذات مقدس او باشد و دائماً حضور ذهنی داشته باشد که در حال بازگشتن به او است.

پاک نگهداشتن اندیشه و نیت در مراحل نفی و انکار که همه سرگرمی‌ها درگیری با دشمن بیرونی است آسان‌تر است. همین که نهضت به ثمر رسد و نوبت سازندگی و اثبات که ضمناً پای تقسیم هم در میان است برسد، حفظ اخلاص بسی مشکل‌تر است.

وقتی مردم یک جامعه انقلابی ببینند، مسئولان انقلاب، وزراء، وکلا، مدیران ارشد نظام و ... در نقاط بالای شهر و محلات اشراف نشین رحل اقامت گزیده‌اند، اتومبیل‌های گران قیمت سوار شده و خطوط قرمزی آنها را از مردم عادی جامعه جدا کرده، سفرهای آنچنانی به کشورهای خارجی می‌کنند و تفریحات اعیانی و ... دارند افسوس انقلابی را خواهند خورد که ابراهیم وار برای حیات آن فرزندان و جگرگوشه‌هایشان را پای آن ذبح کرده و سینه فرزندان‌شان را تیغ خصم صد چاک کرده است. مایوس و دلشکسته بین انقلابیون استحاله یافته و آرمان‌های دست‌نایافته انقلاب، در پارادوکس و تناقض عظیمی گیر خواهند افتاد.

حضرت امام خمینی ره با تکیه بر پیگیری زی طلبگی توسط روحانیان که بعضاً مسئولیت‌های

مهم کشور را در اختیار دارند می‌فرمایند:

اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همان. ما باید به گونه‌ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۱۸۸)

همچنان که انقلابیان اسلامی ایران توانستند با اشاعه فرهنگ اصیل اسلامی نظام شاهنشاهی را براندازند، مهاجمان فرهنگی ضد انقلاب هم در صورت غفلت انقلابیان این توانایی را ندارند. یقیناً بررسی تمام ابعاد این تهاجم مجال بسیار فراخ می‌طلبد که فعلاً مقذور نیست.

آنچه در پایان قابل ذکر است اینکه انقلاب اسلامی یک ارگانسیم پویا و با نشاطی است که علی‌رغم همه این آسیب‌ها و آفات و موانع توانسته راه پر پیچ‌وخم رشد و تعالی را پیموده و امروز در قله رفیع اقتدار و سربلندی قرار گیرد و بدون شک طی این مدت، تابلویی از زیباترین فعالیت‌های بشری در طول حیات آدمی را پیشروی جهانیان قرار داده است. الگوی حکومت اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی عصاره چنین نگاره مقدسی است که فطرت پاک هر دل بی‌آلایشی را به رقص در می‌آورد و خاضعانه آن را، به سجده‌گاه تحیر و تحسین می‌کشد.

درست از همین منظر است که عمق ضرورت شناخت آسیب‌های انقلاب اسلامی و ارائه راه حل‌های عملی و علمی روشن می‌شود.

### نتیجه

درباره علل اصلی پیروزی و شناخت ماهوی و غائی انقلاب اسلامی ایران، به دلیل پیچیدگی‌ها و خصوصیات ویژه‌اش - رهبری مذهبی، تندی وقایع، سرعت پیروزی و فائق آمدن مردمی بی‌سلاح بر رژیم مسلح و بهره‌مند از حمایت خارجی - برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. ولی شهید مطهری معتقد است که عامل اصلی تحقق انقلاب اسلامی، اسلام و ارزش‌های والای آن بوده است.

طرفداران این فرضیه، ضمن پذیرش دخالت علل و عوامل مختلف در پیروزی انقلاب اسلامی، عامل اسلام و مذهب را دلیل اصلی می‌شمردند و اسلام‌زدایی شاه را عامل فروپاشی رژیم شاهنشاهی می‌شمردند.

آیت‌الله شهید استاد مطهری یکی از جدی‌ترین طرفداران نظریه «عامل اسلام و مذهب شیعه» در پیروزی انقلاب اسلامی است. با عنایت به مباحث مطرح شده که ذیل ماهیت، هدف، رهبری و آفات



نهضت اسلامی ایران از منظر شهید مطهری ارائه شد می‌توان به جرأت استنباط کرد که علل چهارگانه ایشان، دال بر پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ ماهوی، صوری، غایی و فاعلی اسلام است و همه عوامل دیگر در کنار این عامل اصلی قابل توجیه است. با یک کلام از معظم له بحث را پایان می‌دهیم:

این نهضت، نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی برخاسته از «خودآگاهی الهی» یا «خودآگاهی». این خودآگاهی ریشه‌اش در اعماق فطرت بشر است ... وجدان اسلامی بیدار شده جامعه‌ها، او را در جستجوی ارزش‌های اسلامی برانگیخته است و این وجدان مشترک و روح جمعی جوشان جامعه است که طبقات مختلف و یا احیاناً متضاد را در یک حرکت هماهنگ به راه انداخته است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۸)

## منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۱، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۲. شفیعی فر، محمد، ۱۳۷۸، *مدخلی بر انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، تهذیب.
۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۴. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۸، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، نشر کتاب سیاسی و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. فرمایشات مقام معظم رهبری، کیهان، ۱۷ دی ماه ۱۳۷۳.
۶. محمدی، منوچهر، ۱۳۶۵، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *مجموعه آثار*، ج ۹ (شرح مبسوط منظومه)، تهران، صدرا.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا.
۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، تهران، صدرا.
۱۰. یثربی، سیدیحیی، ۱۳۷۹، *ماجرای غم‌انگیز روشنفکری در ایران*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بهار ۷۹.

